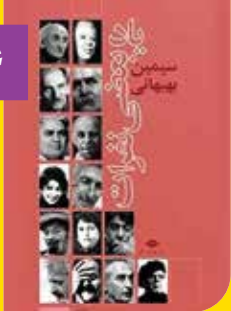


## یاد بعضی نفرات

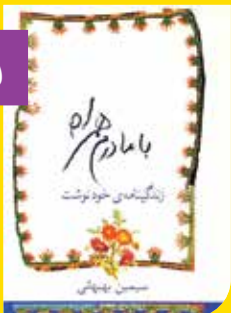
۴



مجموعه‌ای از دیدارها، مقالات و مصاحبه‌های شاعران، نویسندگان و افراد تأثیرگذار در هنر ادب و فارسی دوره معاصر است که سیمین بهبهانی با آن‌ها دیداری داشته است. بهبهانی در این اثر گوشه‌هایی از زندگی، احوال و آثار برخی افراد همچون منوچهر آتشی، هوشنگ ابتهاج، احمدرضا احمدی، مهدی اخوان ثالث، پروین اعتصامی، قیصر امین‌پور و... را در قالب خاطرات، دریافت‌ها و برداشت‌های شاعرانه شرح می‌دهد...

## با مادرم همراه

۵



زندگینامه خودنوشت سیمین بهبهانی است با یاد نگاره‌هایی از زندگی مادر او. گردش ذهن در این اثر، همزمان، به گذشته و حال و آینده معطوف می‌شود. از این رو، شنیده‌های پیش از تولد نویسنده (۱۳۰۶) و رویدادهای پس از درگذشت مادرش (۱۳۵۴) در این حساب حال، بسته به مناسبت، روایت شده است و برای خواننده‌ای که با غزل‌های شاعر خاطره دارد، این کتاب به همان میزان جذاب خواهد بود...

## شعر زمان ما

۶



دوره جدید مجموعه «شعر زمان ما» که تفسیر و تحلیل گزیده شعرهای شاعران بزرگ معاصر است، حاصل تلاش و تتبع محقق و ادیب معاصر فیض شریفی است. در دوره جدید، فراهم‌آورنده سروده‌های سیمین بهبهانی مطمح نظر قرار داده و با روش و دیدی علمی و مدرن، با واکاوی و جست‌وجوی برگ‌های ادبیات معاصر، ضمن تحلیل و نقد اشعار او، به‌گزینی از سروده‌های اثرگذار او را نیز عرضه کرده...

زنانه خود می‌نویسد و با روش تازه‌ای برای بیان فردیت، بی‌پرده و با شهامت، احساسات و تجربه‌های زنانه خود را بیان می‌کند و هویت زنانه خود را نشان می‌دهد.»

زنی را می‌شناسم من / که شوق بال و پر دارد / ولی از بس که پُرشور است / دو صد بیم از سفر دارد / زنی را می‌شناسم من / که در یک گوشه خانه / میان شستن و پختن / درون آشپزخانه / سرود عشق می‌خواند / نگاهش ساده و تنه‌است / صدایش خسته و محزون / امیدش در ته فرداست / زنی را می‌شناسم من / که می‌گوید پشیمان است / چرا دل را به او بسته / کجا او لایق آن است؟ / زنی هم زیر لب گوید / گریزانم از این خانه / ولی از خود چنین پرسد / چه کس موهای طفلم را / پس از من می‌زند شانه؟

آنچه از محتوای غزل‌های سیمین بهبهانی به دست می‌آید، این است که او به دنبال ارائه هویت زن معاصر است و تلاش می‌کند این هویت را به آن صورتی که باید باشد، به تصویر بکشد. البته باید اذعان کرد که شعر زنان همواره با بی‌مهری‌ها و بدفکری‌ها همراه بوده و حتی بعضی از جریان‌های ادبی خواهان حذف عنوان شعر زنان نیز بوده‌اند که البته حضور چهره‌های شاخصی مانند فروغ، سیمین بهبهانی، طاهره صفارزاده و... باعث شده که جایگاه و جریان شعر زنان ایران تثبیت شود.

سیمین بهبهانی شاعری را از آغاز جوانی با سرودن غزل‌ها و چهارپاره‌هایی کلاسیک و رمانتیک آغاز کرد که غالباً دارای مضامین عاشقانه و عواطف زنانه و انسان‌دوستانه بودند. اما از دهه سی به بعد تحت‌تأثیر اشعار نوپردازان، رگه‌هایی از زبان و تخیل تازه رمانتیک در غزل‌های او پدیدار شد که مجموعه «مرمر» نشانگر این تحول بود. بعدها مجموعه غزل «رستاخیز» تلاش موفق او در تلفیق روح تغزلی با نگرش و محتوای اجتماعی به نمایش گذاشت. سیمین بهبهانی را می‌توان جزء برجسته‌ترین شاعرانی دانست که زبان شعری خود را از سلطه ادبیات مردسالاری دور نگه داشته و اندیشه، جهان‌بینی و عواطف لطیف و نرم خود را با همان المان‌های خاص زنانه ابراز کرده است. از این لحاظ حتی می‌توان او را صاحب سبک خاص خود دانست. در یک نگاه کلی، آنچه که شعر بهبهانی را نزدیک‌ترین شعر به دنیای زنان نشان می‌دهد، توجه به زن با همه عواطف و احساس خاص زن، نگاه به جنبه‌های اجتماعی و خانوادگی زنان، دفاع از حقوق زن و مادر در جامعه است.

شوریده آزرده دل بی‌سروپا من  
در شهر شما عاشق انگشت‌نما من  
دیوانه‌تر از مردم دیوانه اگر هست  
جانا، به خدا من... به خدا من... به خدا من  
شاه همه خوبان سخنگوی غزل‌ساز  
اما به در خانه عشق تو گدا من  
یک دم، نه به یاد من و رنجوری من تو  
یک عمر، گرفتار به زنجیر وفا من  
ای شیر شکاران سیه‌موی سیه‌چشم!  
آهوی گرفتار به زندان شما من  
آن روح پریشان سفرجوی جهانگرد  
همراه به هر قافله چون بانگ درا، من  
تا بیشتر از غم، دل دیوانه بسوزد  
برداشته شب تا به سحر دست دعا من  
سیمین! طلب یاریم از دوست خطا بود:  
ای بی‌دل آشفته! کجا دوست؟ کجا من؟

دیوانش نوشته بود. خیلی از شعرهایش خوب بودند. من آرزو می‌کردم که مانند پروین اعتصامی شوم. به همین دلیل وقتی پروین با مادرش به دیدن مادر من آمدند، مادرم به من اجازه داد در اتاق بنشینم. یک شعر برای پروین خواندم. او خیلی خوشش آمد. متأسفانه همان عید نوروزی که به خانه ما آمد، ۱۳ یا ۱۴ همان عید پروین مُرد. پروین به حسرت مُرد.»

بهبهانی علاوه بر تأثیر اندکی که از پروین گرفته بود، در ادامه شاعری‌اش تأثیرات بیشتری از نادرپور، توللی، رحمانی و مشیری می‌گیرد. خودش می‌گوید: «حتی حمیدی هم تأثیر بر شعرهای من گذاشته، ما همزمان بودیم. من، مشیری، نادرپور، و... معاصر بودیم. من اول با مشیری، نادرپور بعد رویایی دوست شدم. خیلی کم‌سن بودم و اینها خانه ما جمع می‌شدند.»

به مرور سیمین بهبهانی به سبک و سیاق خود می‌رسد و به یکی از برجسته‌ترین شاعران معاصر بدل می‌شود. به بیانی دیگر، اگر فروغ در شعر نوبی زنان، سرآمد است، او در غزل. هر دوی اینها در دو خط موازی شعر نو و غزل، در ادبیات فارسی پیش می‌روند.

تأثیرگذاری شعر سیمین از آن جهت مشخص‌تر و ملموس‌تر است که در جریان‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه نقشی مهم داشته که از جمله المان‌هایی که بهبهانی همواره در آثارش از آن دفاع کرده، آزادی بیان و حقوق زنان است. اینکه شاعر بتواند دنیای درونی خود را با جهان اطرافش هماهنگ کند، نشان از پویایی ذهنیات آن دارد که کمتر کسی مانند سیمین بهبهانی در این خصوص به صورت صریح و آشکار شعر سروده است. بهبهانی شاعری فرداگرا نیست. شعر او به نمایندگی از جامعه زنان همواره صدای خود را بلند کرده و تلاش کرده است نسبت به اتفاقات و حوادث پیرامونش سیاست سکوت را انتخاب نکند. این همراهی با صدای مردم و عبور نکردن از اتفاقات و حوادث فرهنگی و اجتماعی جامعه، ارتباطی قوی بین شعر او و مخاطبانش ایجاد کرده است. اگر از منظر جامعه‌شناسی ادبی شعر بهبهانی را بررسی کنیم خواهیم فهمید که شعر او با محکوم کردن نگاه مردسالارانه در بطن جامعه به دنبال ایجاد عدالت اجتماعی بین زن و مرد بوده است.

القای حس زنانه‌گی از ویژگی بخشی از غزل‌های سیمین بهبهانی است، اما تفاوت عمده بیان عواطف زنانه در شعر بهبهانی با دیگر شاعران در این است که نگاه او نگاهی صرفاً جنسیتی و فمینیستی نیست، بلکه زن در شعرهایش نمادی از عشق، عاطفه، مادر بودن و... است و شعر خود را به تریبونی برای بیان دغدغه‌هایی مانند دوری، انتقام، انتظار، از دست رفتن جوانی، دغدغه مرگ و... تبدیل نمی‌کند که اگر هم بتوان مشابهی برای آن مثال زد، تنها شاید بتوان به جسارت صدای زنانگی فروغ اشاره کرد.

در شعر زنان، زنانه‌گی پرکاربردترین مؤلفه‌ای است که با بهره‌گیری از امکانات زیبایی‌شناختی به تصویر کشیده می‌شود و در چهره‌های مختلفی نمود پیدا می‌کند. بهره‌زنان از حس‌های رمانتیک و مسائل عاطفی و خانوادگی بیشتر است و همین عوامل صدای عاطفی کلمات مختص زنانه‌گی را از بسامد بالایی برخوردار می‌کند. بهبهانی در شعر علاوه بر روشنفکری، سنت‌شکن نیز هست و از جمله شاعرانی است که «آگاهانه و آزادانه برخلاف شرایط موجود حاضر، مطابق ذهنیات



اینکه شاعر بتواند دنیای درونی خود را با جهان اطرافش هماهنگ کند، نشان از پویایی ذهنیات آن دارد که کمتر کسی مانند سیمین بهبهانی در این خصوص به صورت صریح و آشکار شعر سروده است. بهبهانی شاعری فرداگرا نیست. شعر او به نمایندگی از جامعه زنان همواره صدای خود را بلند کرده و تلاش کرده است نسبت به اتفاقات و حوادث پیرامونش سیاست سکوت را انتخاب نکند